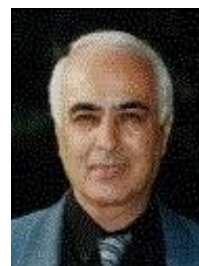


پافشاری بر نکات تفرقه افکن، سد راه شکل گیری همبستگی ملی است



هوشنگ کردستانی

«این ما و تو نتیجه بیگانگی بود، صد دل بیکدگر چو شود آشنا یکی است»

صائب تبریزی

چند سال پیش از استقرار جمهوری اسلامی، در گفت و گویی با شادروان فروهر یادآور شدم که رویداد بیست و هشتم مرداد خطی میان جامعه پدید آورده است.

از دید من آنان که آن سوی خط هستند الزاماً همه بد نیستند و آنانی هم که این سمت خط یعنی با ما هستند الزاماً همه موجه نمی باشند.

شادروان فروهر بر این که بیست و هشتم مرداد باعث جدایی میان ایرانیان شده است، تأکید داشت.

سال‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تبعید ناخواسته من از ایران، دیداری که با ایشان در پاریس – دفتر دکتر آبتین ساسانفر - دست داد، این مطلب را که رویداد بیست و هشتم مرداد در میان مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور دو دستگی پدید آورده است، یادآور شدم. شادروان فروهر هم اعتقاد داشت که تفرقه میان ایرانیان به زیان شکل گیری همبستگی ملی برای تحقق مردم سالاری و رسیدن به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است که همواره شعار جبهه ملی، حزب ملت ایران بوده و می پنداشت که این خط جدا کننده باید از میان برداشته شود تا یک نیروی همبسته پر قدرت در خارج از کشور پدید آید که بتواند به مبارزه آزادیخواهان و ملی گرایان در داخل یاری برساند.

متأسفانه برخی از هموطنان خارج از کشور بجا یا نابجا با مطرح کردن مسئله بیست و هشتم مرداد سال 32 که بیش از شصت سال از آن می گذرد و دامن زدن به این که آیا رویداد 28 مرداد کودتا بود یا قیام ملی، بحثی را مطرح می کند که گره گشای هیچیک از دردهای کنونی جامعه ایران نیست و تنها به ایجاد نفاق و دودستگی به ویژه در جامعه ایرانیان خارج از کشور دامن می‌زند و سدی در برابر همبستگی ملی پدید آورده است.

سردمداران جمهوری اسلامی به عمد یا از روی مأموریت و یا از سر نادانی، دردهای علاج ناپذیر بی‌شماری برای جامعه پدید آورده‌اند که تنها یک سامان مردم سالاری آنهم در درازای زمان می‌تواند برای درمان آن‌ها راه کارهای متناسب و لازم را بیابد.

آنچه امروز مردم ایران به ویژه جوانان ما انتظار دارند، بحث بر سر این موضوع که رویداد بیست و هشتم مرداد سال 32 کودتا بود یا قیام ملی نیست و یا اینکه در استقرار استبداد مذهبی چه کسانی یا سازمان‌هایی مقصر بوده‌اند.

اساساً مردم خواهان یافتن راه کارهای رهایی از وضعیت دردناک و اسفباری هستند که استبداد مذهبی برایشان به وجود آورده است و نه شناخت مقصر یا مقصرانی که از روی ناآگاهی سیاسی یا خودخواهی شخصی به استقرار نظام اسلامی یاری رسانده‌اند.

بی شک آگاهی از تاریخ به ویژه تاریخ معاصر ایران وظیفه اصلی هر ایرانی به ویژه جوانان است که گفته‌اند «ملتی که تاریخ خود را نداند ناچار به تکرار آن است». همانگونه که در سال 57 شاهد بودیم مشروطه که خون بهای مبارزان انقلاب مشروطیت بود تبدیل به مشروعه شد.

طرح مسایل گذشته و پافشاری روی نقاط نفاق و اصرار بر درستی آن‌ها ما را از وظیفه اصلی و بنیادی‌ای که امروز تاریخ به دوش نسل کنونی گذارده است، باز می‌دارد.

بیابیم نقاط تفرقه انداز را دست کم در وضعیت مرگبار کنونی کنار بگذاریم تا با طرح مسایل مورد توافق به یک همدلی و همگامی ملی برسیم که سنگ نخست بنای پایان دادن به بقای استبداد مذهبی و رسیدن به مردم سالاری است.

پیرامون رویداد بیست و هشتم مرداد سال 32 بیش از هزار نوشتار و صدها کتاب به زبان‌های مختلف منتشر شده و می‌شود. انتشار اسناد محرمانه دولت های آمریکا و انگلیس که در برپایی کودتا دخالت داشته‌اند جای هیچگونه ابهام و تردید در کودتا بودن آن باقی نمی‌گذارد با این وجود برخی از هموطنان گفته مولوی که « هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من»، نه در پی یافتن اسرار بلکه در پی بیان خواست‌های قلبی و گرایش‌های عاطفی و یا سیاسی خود هستند.

من تاکنون به چند دلیل سعی کرده ام وارد این بحث و جدل نشوم.

نخست آنکه کودتا، به چند دلیل روشن و مسلم بوده است،

- این رویداد باعث سقوط دولت ملی مصدق شد و جای آن را یک حکومت نظامی سرکوبگر گرفت که توسط دو قدرت استعمارگر آمریکا و انگلیس برنامه ریزی و با کمک عوامل خودفروخته داخلی اجرا شد.

- افزون بر خاطرات کریمیت روزولت که مأمور اجرای کودتا بود، در اسناد سری منتشر شده توسط وزارت خارجه آمریکا و سازمان سیا به نقش آمریکا و انگلیس در کودتا تأکید شده است.

- دولت آمریکا رسماً و انگلستان به خاطر دخالت شان در کودتا تلویحاً از ملت ایران معذرت خواهی کرده‌اند.

- کودتای بیست و هشتم مرداد باعث سقوط دولت ملی مصدق برای مدتی طولانی مانع فعالیت‌های آزادیخواهانه و ملی‌گرایانه شد و راه را برای فعالیت‌های مذهبی باز گذارد.

- ایجاد سپاه دین نه تنها عشق شاهدوستانه را به روستاها نبرد، بلکه توجه و علاقه روستائیان را به فعالیت مذهبی بیشتر نمود.

- اساساً دولت برآمده از یک قیام ملی که با آمدن و حضور مردم به خیابان‌ها پیروز می‌شود، حکومت نظامی اعلام نمی‌کند، اجتماع مردم را قدغن و آزادیخواهان را بازداشت نمی‌کند، روزنامه‌ها را قدغن نکرده و فعالیت احزاب و سازمان‌ها را تعطیل نکرده و آزادی‌های فردی و اجتماعی را از میان بر نمی‌دارد، وارونه آن با افتخار پیروزی قیام، چندین روز جشن و پایکوبی و سرور به مردم ارزانی می‌دارد.

- رهبر یک قیام ملی به جاهل‌ها و سران اوباش اجیر شده‌ای که مردم عادی را از جنوب شرقی و غربی تهران به سوی مرکز شهر - میدان سپه، بهارستان و خانه مصدق- به حرکت در آوردند، نشان همایونی نمی‌دهد!

- مردم عادی که بی‌اطلاع از فن و دانش نظامی هستند، تانک‌های پادگان‌های سلطنت آباد و عشرت آباد را به داخل شهر برای تصرف اداره رادیو و تخریب خانه دکتر مصدق هدایت نمی‌کنند.

مصدق رهبر ملی در دادگاه نظامی دولت کودتا محاکمه و محکوم به سه سال زندان و حبس خانگی تا پایان عمر در قلعه احمدآباد شد.

از این رو نیاز به پاسخ گویی به کسانی که 28 مرداد قیام ملی بود می‌نامند نیست.

حقیقت آن است که دولت محافظه کار انگلیس و جمهوری خواهان آمریکا اصل ملی شدن صنعت نفت را که اکتشاف، استخراج و صادرات آن را در اختیار ایران قرار می‌داد قبول نداشتند.

چنانچه شخص دیگری هم به جای دکتر مصدق در رأس دولت قرار می‌گرفت و به اصل ملی شدن نفت پایبند بود، آن دولت را نیز ساقط می‌کردند.

این ادعا که اگر مصدق به سود الهیار صالح از نخست وزیری کناره‌گیری می‌کرد کودتا اتفاق نمی‌افتاد، تخیل دلخوش کننده‌ای بیش نیست!

نخست آنکه الهیار صالح با بودن مصدق نخست وزیری را نمی‌پذیرفت و به فرض پذیرش به دلیل پایبندی به اصل ملی شدن صنعت نفت، توسط دولت‌های آمریکا و انگلیس که حامی و مدافع منافع کمپانی‌های نفتی هستند کنار گذارده می‌شد.

بر این گمانم که قدرت‌های غربی نه با مصدق دشمنی داشتند و نه از قدرت یابی حزب توده ترس و وحشت. پس از مرگ یا کشته شدن استالین، مبارزه کسب قدرت میان جانشینان، آنان را از توجه به مسایل جهانی و خارج از روسیه باز داشته بود.

آمریکا و انگلستان در پی آن بودند که استخراج و صادرات نفت را در اختیار داشته باشند و با استفاده از قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی خود در امور داخلی ایران دخالت و به سود خود استفاده کنند و مانع تحقق کامل استقلال و آزادی مردم ایران گردند.

با شخص مصدق به عنوان رهبر ملتی که با ملی کردن صنعت نفت پای قدرت‌های استعمارگر را از ایران برید و منافع اقتصادی حال و آینده شرکت‌های نفتی معروف به هفت خواهران را به خطر انداخته بود مخالف بودند. اگر مصدق نیز مانند بسیاری از دولتمردان آن دوران حاضر به پذیرش هدف‌های ضد ملی آن‌ها بود، برایشان فرق نمی‌کرد که چه کسی در رأس دولت بوده باشد.

حسادت محمدرضا شاه نسبت به محبوبیت مصدق هم برایشان مهم و مطرح نبود. چنانچه شاه هم بر اصل ملی شدن صنعت نفت پای فشاری و اختیار اکتشاف، استخراج و صادرات نفت را برای ایران تأیید می‌کرد، کنار گذاردن او هم در دستور کار آن‌ها قرار می‌گرفت.

آزادی فردی و اجتماعی مردم که در دوران مصدق برقرار شده بود و پایه ریزی یک سامان مردم‌سالار را نوید می‌داد، خاری بود در چشم استعمارگران.

همانگونه که ادامه حرکت آرام جامعه ایران به سوی حکومت مردم بر مردم و رسیدن به استقلال و آزادی برآمده از انقلاب مشروطیت با کودتای سوم اسفند پایان یافت، این بار نیز مردم سالاری دوران نخست وزیری مصدق که در پی تحقق استقلال کشور و آزادی مردم بود با کودتای 28 مرداد از میان برداشته شد و - تاریخ یک بار دیگر تکرار شد - .

اکنون روی سخن با هواداران جبهه ملی و پیروان راه مصدق به ویژه جوانانی است که هر روز بیش از گذشته به عظمت و بزرگی کار مصدق در ادامه آرمان مشروطیت و تأمین استقلال و برقراری آزادی‌های فردی و اجتماعی پی برده‌اند.

قضاوت و داوری پیرامون مردان بزرگ در زنده بودنشان با مردم و پس از آن با تاریخ است.

مصدق در زنده بودنش از حمایت مردم برخوردار بود و تاریخ نیز پیرامون کارهای با ارزش او داوری خود را کرده است. از این رو نیاز به دفاع ندارد، چرا که در پیشگاه ملت و تاریخ هر دو تیرئه شده. همانطور که شیوه اخلاق سیاسی مصدق بود باید بپذیریم مخالفان هم حق دارند و آزاد هستند که دیدگاه‌های خود را بیان نمایند ولو در تضاد و مخالفت دیدگاه‌های ما باشد. اساساً اجباری نیست که همگی یک ملت نسبت به رویدادهای تاریخی خود یکسان فکر کنند و ببینند. نباید از اینکه برخی از هموطنان ما با کارهای سیاسی مصدق موافق نیستند نگران باشیم و وارد بحث و جدل بی فایده شویم که به ایجاد همبستگی ملی در این لحظه‌های حساس و سرنوشت ساز وطن زیان جبران ناپذیری خواهد زد. رهایی و یافتن راه کار نجات از استبداد مذهبی و سرنوشت دردناک مردم، امروز در درجه نخست اهمیت قرار داشته و در

گرو همبستگی ملی است. در پاسخ به مخالفان برای رسیدن به هدف بزرگی که داریم احتراز کنیم تا مردمی که امیدوار به نجات هستند ناامید نشوند.

در پاسخ گویی به گفته‌ها و نوشتارهای کسانی که به نا حق به مصدق حمله می‌کنند تنها به رد استدلال آنان بپردازیم و نه به شخصیت و پیشینه سیاسی گوینده و نویسنده به گفته حافظ:

«حافظ از خصم خطا گفت نگیریم بر او / گر به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم»

با توجه به اینکه پیروزی ایدئولوژی‌های مذهبی یا غیر مذهبی در همه جای دنیا سرانجام به استقرار سامانی خودکامه و استبدادی انجامیده، در نظام مردم سالاری که با تلاش و فداکاری مردم جایگزین استبداد مذهبی خواهد بود و آزادی و استقلال را تحقق خواهد بخشید، بکوشیم با سودبری از پیشرفت‌های علم و دانش و فن آوری، عقب ماندگی‌های گذشته را جبران کرده با کاروان پر شتاب تمدن جهانی همراه و همگام گردیم و در سایه نیروهای انسانی کاردان و کارآمد و برخورداری از منابع طبیعی فراوان اقتصاد کشور را سر و سامان داده و نیازهای بر حق توده‌های مردم را برآورده سازیم.